

تحلیل  
احسان کیانی \*



## دفاع از منافع ملی با حقوق یا با سیاست؟!

مدرن بود که پس از پایان جنگ جهانی اول و به تبع معاهده ورسای میان پیروزمندان آن نبرد بزرگ در ژانویه ۱۹۲۰ میلادی تأسیس شد. جایگاه این سازمان در ژنو سوئیس بود. پیشنهاد تأسیس این سازمان از سوی وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور دموکرات و آرم‌گرای ایالات متحده ارائه شد و جالب‌تر اینکه امریکارگر به عضویت این نهاد در نیامد! گویی دولتمردان امریکایی بهتر از دیگران می‌دانستند که این نهادچه سرنوشتی خواهد یافت و به همین دلیل حاضر نشدند در این سرنوشته، شریک باشند. اهداف کلی از تأسیس این سازمان معطوف به دلایل وقوع اولین جنگ جهانی، اجتناب از جنگ و واسطه‌تأمین امنیت‌همگلی و رفع اختلافات بین دولتها به طریق مذاکره و دیپلماسی و بهبود سطح زندگی اجتماعی در قلمر نقاط جهان بود. این سازمان دارای چهار ارگان بود: دبیرخانه، هیئت قانون‌گذاری، شورا و دادگاه دائمی بین‌المللی عدالت. اما برخی مفسران‌های فرعی این نهاد نیز عبارت بودند از: سازمان بهداشت، سازمان بین‌المللی کار، هیئت مرکزی دلفی‌اقیون، کمیسیون برده‌داری، کمیسیون مهاجرت و کمیته مطالعه جایگاه قانونی زنان. نگاهی به این موارد نشانگر آن است که مسائلی مانند مواد مخدر، بهداشت و سلامت و نژادپرستی حتی در بسیاری دولت‌های عصر مدرن نیز جزئی از ناهنجاری مهم اجتماعی قلمداد می‌شدند. این سازمان، چهل و دو عضو اصلی و مؤسس از جمله ایران داشت. در سال ۱۹۳۹ دولت‌های آلمان، ژاپن، شیلی، ونزوئلا، اسپانیا، پرو، مجارستان، پاراگوئه و رومانی، حکم به اخراج شوری از این نهاد به دلیل تجاوز اتحاد جماهیر سوسیالیستی به فنلاند ارائه کرده و این دولت را از جامعه مسلح بیرون کردند. طی عمر کوتاه این نهاد، برخی دیگر از دولت‌های عضو به دلیل عدم نتیجه‌بخشی برنامه‌های جامعه ملل از آن خارج شدند که می‌توان به آروانتین، السالوادور، برزیل، دامبارک و شیلی اشاره کرد. همچنین آلمان و ایتالیا نیز پس از اقدام به جهان‌گشایی در قاره سبز از این سازمان خارج شدند و به دنبال آن، هر کشوری که از سوی این دو دولت اشغال می‌شد نیز از عضویت جامعه ملل بیرون می‌رفت که می‌توان به چکسلواکی و فرانسه اشاره نمود. جامعه ملل با پذیرش عضویت جنبش آزاد فرانسه که جهت مبارزه با ارتش اشغالگر آلمان تشکیل شده بود، تلاش بیهوده‌ای برای حفظ جایگاه خود انجام داد ولی در نهایت این سازمان با وجود جایگاه حقوقی اش در تلاش برای خلع سلاح قدرتمندترین و جلوگیری از سیاست‌های توسعه‌طلبانه نظامی دولت‌های اروپایی برای جلوگیری از بروز نبرد بزرگ دیگری، شکست خورد و طبیعی نیز بود که این قوانین حقوقی، ضمانت‌اجرائی قدرتمندی نداشت و به همین سبب در آوریل ۱۹۴۶ و پس از پایان جنگ جهانی دوم، منحل شد.

تلاش برای یافتن جایگزین این ارگان، از سال ۱۹۳۹ و به دنبال اخراج شوری آغاز شد. در واقع، دیگر قدرتمند بزرگ جهان از جمله آمریکا و انگلستان که خوبی متوجه شدند که عدم ضمانت‌اجرائی قوانین جامعه ملل موجب می‌شود که با خروج قدرتی مانند شوری، آمیدی به اجرای برنامه‌های این نهاد بین‌المللی باقی‌نماند. بنابراین در اواسط جنگ جهانی دوم در حالی که به تدریج، شوری به یکی از متحدین غرب در مبارزه با فاشیسم هیتلری بدل می‌شد، آمریکا و بریتانیا در اگوست ۱۹۴۱ میلادی منشوری مشترک بر هشت ماده امضا کردند. عبارت «ملل متحد» را اولین بار فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهور ایالات متحده در دوران جنگ جهانی دوم برای اشاره به دولت‌های متفقین

سکانشی در فیلم سینمایی «بادیگارد» هست که شخصیت اول فیلم (حیدر) خطاب به مقام مافوقش می‌گوید در این چند سال سیاستمدار زیاد تربیت کرده‌ام و حالا باید از دانشمندان حمان حمایت کنیم. هر چند این سخن در تحقیر دانش (knowledge) سیاست در قیاس با علم (science) هسته‌ای است ولی از جنبه‌های عام‌تر، علوم انسانی را از جنس علوم فنی و پایه ندانستن، گونه‌ای مدح شبیه ذم است! اما حتی اگر دیالوگ نوبسی این کارگردان معترم را از این مباحث معرفت‌شناسی بیرون بیاوریم، در عرصه عمومی هم سخنی چندان توجیه‌پذیر نیست. آیا به راستی در این سال‌ها سیاستمدار زیاد تربیت کرده‌یم؟! تاسیسات را چه معنا کنند و چه انتظاری از سیاستمدار داشته باشند. او مسئولان عالی‌رتبه دولتی را با سیاستمدار اشتباه گرفته است و البته حرجی نیز بر او نیست که عامه مردم نیز چنین می‌اندیشند و خطا از آنان نیست. از کسانی است که سیاست را در قدرت و سیاستمدار را در قدرت‌مدار خلاصه کردند. گویی نه اینکه سیاست راه‌نری است و آن هنر در اندیشه و عمل به دو وجه از صفات برجسته انسانی یعنی درایت و شجاعت آراسته است. و آن که از این هنر بی‌بهره باشد، قدرتش نیز دیری نماند. البته این نیز از مهجوریت دانش سیاست است که در میان علوم انسانی، حقوق، اقتصاد و جامعه‌شناسی را بهیچ قدرتی است. دروغ که اگر سیاستمداران در تدبیر قدرت مؤثر بر وضعیت جامعه ناتوان باشند، نه اقتصاددانانی می‌توانند از علم خود در راستای افزایش رفاه جامعه بهره‌ای ببرند و نه جامعه‌شناسان راهی برای درمان ناهنجاری‌ها خواهند یافت و نه حقوق‌دانان ابزاری برای دفاع از حق مردم خواهند داشت. به خصوص اکنون که میزان قابل توجهی از دارایی‌های ایران در یک سرفت آشکار از سوی آمریکا و به پهنانه‌های واهی ریوده شده، این سؤال بیشتر ذهن را می‌آزارد که چرا حقوق‌دانان برجسته‌ای که در مسدود قدرت قرار دارند، راهی برای گشودن این گره ندارند؟

### از جامعه ملل تا سازمان ملل

حقوق بین‌الملل، زمانی تضح گرفت که آرم‌گرایان در صدد ایجاد جامعه جهانی عری از خشونت بودند. به همین دلیل، با تطبیق جهان خارج به جوامع داخلی، آن‌را همچون کشوری باقوم و مذاهب، گوناگون در نظر گرفتند و سپس برای تدوین و اجرای قانون در این جامعه بزرگ، مبانی حقوق بین‌الملل را تبیین کردند. در نظر آنان، نظم در جامعه ناشی از منافع مشترک است و از آن‌جا که امنیت، اولین نیاز مشترک انسانی است، لازم است قواعدی تنظیم شود که رفتار مناسب و نامناسب در آن بیان گردد. بدین سان، حقوق بین‌الملل به عنوان مجموعه‌ای از قواعد که دولت‌ها و سایر کارگزاران سیاست جهانی را به یکدیگر پیوند می‌دهد، شکل گرفت و این تلقی وجود داشت که از منزلت قانون در یک دولت - ملت برخوردار است تا دولت‌های مختلف و وسیله آن، نیت خود را ابراز و به همدیگر اطمینان بخشد و توافق‌های میان خود را بر این اساس تنظیم کنند. آن‌گاه به این نکته رسیدند که جامعه جهانی برای رعایت آن قواعد، به نهادهایی نیازمند است. این نهاد بین‌المللی، جامعه ملل بود.

جامعه ملل با مجمع اتفاق ملل، اولین نهاد بین‌المللی جهان

مدرن بود که پس از پایان جنگ جهانی اول و به تبع معاهده ورسای میان پیروزمندان آن نبرد بزرگ در ژانویه ۱۹۲۰ میلادی تأسیس شد. جایگاه این سازمان در ژنو سوئیس بود. پیشنهاد تأسیس این سازمان از سوی وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور دموکرات و آرم‌گرای ایالات متحده ارائه شد و جالب‌تر اینکه امریکارگر به عضویت این نهاد در نیامد! گویی دولتمردان امریکایی بهتر از دیگران می‌دانستند که این نهادچه سرنوشتی خواهد یافت و به همین دلیل حاضر نشدند در این سرنوشته، شریک باشند. اهداف کلی از تأسیس این سازمان معطوف به دلایل وقوع اولین جنگ جهانی، اجتناب از جنگ و واسطه‌تأمین امنیت‌همگلی و رفع اختلافات بین دولتها به طریق مذاکره و دیپلماسی و بهبود سطح زندگی اجتماعی در قلمر نقاط جهان بود. این سازمان دارای چهار ارگان بود: دبیرخانه، هیئت قانون‌گذاری، شورا و دادگاه دائمی بین‌المللی عدالت. اما برخی مفسران‌های فرعی این نهاد نیز عبارت بودند از: سازمان بهداشت، سازمان بین‌المللی کار، هیئت مرکزی دلفی‌اقیون، کمیسیون برده‌داری، کمیسیون مهاجرت و کمیته مطالعه جایگاه قانونی زنان. نگاهی به این موارد نشانگر آن است که مسائلی مانند مواد مخدر، بهداشت و سلامت و نژادپرستی حتی در بسیاری دولت‌های عصر مدرن نیز جزئی از ناهنجاری مهم اجتماعی قلمداد می‌شدند. این سازمان، چهل و دو عضو اصلی و مؤسس از جمله ایران داشت. در سال ۱۹۳۹ دولت‌های آلمان، ژاپن، شیلی، ونزوئلا، اسپانیا، پرو، مجارستان، پاراگوئه و رومانی، حکم به اخراج شوری از این نهاد به دلیل تجاوز اتحاد جماهیر سوسیالیستی به فنلاند ارائه کرده و این دولت را از جامعه مسلح بیرون کردند. طی عمر کوتاه این نهاد، برخی دیگر از دولت‌های عضو به دلیل عدم نتیجه‌بخشی برنامه‌های جامعه ملل از آن خارج شدند که می‌توان به آروانتین، السالوادور، برزیل، دامبارک و شیلی اشاره کرد. همچنین آلمان و ایتالیا نیز پس از اقدام به جهان‌گشایی در قاره سبز از این سازمان خارج شدند و به دنبال آن، هر کشوری که از سوی این دو دولت اشغال می‌شد نیز از عضویت جامعه ملل بیرون می‌رفت که می‌توان به چکسلواکی و فرانسه اشاره نمود. جامعه ملل با پذیرش عضویت جنبش آزاد فرانسه که جهت مبارزه با ارتش اشغالگر آلمان تشکیل شده بود، تلاش بیهوده‌ای برای حفظ جایگاه خود انجام داد ولی در نهایت این سازمان با وجود جایگاه حقوقی اش در تلاش برای خلع سلاح قدرتمندترین و جلوگیری از سیاست‌های توسعه‌طلبانه نظامی دولت‌های اروپایی برای جلوگیری از بروز نبرد بزرگ دیگری، شکست خورد و طبیعی نیز بود که این قوانین حقوقی، ضمانت‌اجرائی قدرتمندی نداشت و به همین سبب در آوریل ۱۹۴۶ و پس از پایان جنگ جهانی دوم، منحل شد.

تلاش برای یافتن جایگزین این ارگان، از سال ۱۹۳۹ و به دنبال اخراج شوری آغاز شد. در واقع، دیگر قدرتمند بزرگ جهان از جمله آمریکا و انگلستان که خوبی متوجه شدند که عدم ضمانت‌اجرائی قوانین جامعه ملل موجب می‌شود که با خروج قدرتی مانند شوری، آمیدی به اجرای برنامه‌های این نهاد بین‌المللی باقی‌نماند. بنابراین در اواسط جنگ جهانی دوم در حالی که به تدریج، شوری به یکی از متحدین غرب در مبارزه با فاشیسم هیتلری بدل می‌شد، آمریکا و بریتانیا در اگوست ۱۹۴۱ میلادی منشوری مشترک بر هشت ماده امضا کردند. عبارت «ملل متحد» را اولین بار فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهور ایالات متحده در دوران جنگ جهانی دوم برای اشاره به دولت‌های متفقین



جامعه ملل یا مجمع اتفاق ملل، اولین نهاد بین‌المللی جهان مدرن بود که پس از پایان جنگ جهانی اول و به تبع معاهده ورسای میان پیروزمندان آن نبرد بزرگ در ژانویه ۱۹۲۰ میلادی تأسیس شد. جایگاه این سازمان در ژنو سوئیس بود. پیشنهاد تأسیس این سازمان از سوی وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور دموکرات و آرم‌گرای ایالات متحده ارائه شد و جالب‌تر اینکه امریکارگر به عضویت این نهاد در نیامد! گویی دولتمردان امریکایی بهتر از دیگران می‌دانستند که این نهاد چه سرنوشتی خواهد یافت و به همین دلیل حاضر نشدند در این سرنوشته، شریک باشند

### اقدام متقابل

اکنون که عدم ضمانت حقوق بین‌الملل در تدوین برنامه‌ای جهت احقاق حقوق ملی تبیین شد، می‌توان به بررسی این نکته پرداخت که سیاست‌ورزی متناسب با شرایط پویا و به شدت در حال تغییر آسیای غربی، چه سان می‌تواند تأمین منافع ملی و مصالح نظام را کفایت کند؟ آیا در شرایطی که دیگران، ارزش چندانی برای مقولات حقوقی قائل نیستند، تنها با استناد به مواد حقوقی و قانونی می‌توان در مقابل زیاده‌طلبی طرف مقابل ایستاد؟ جامعه ملل محصول ایده آرم‌ان گرایانه ویلسون، رئیس‌جمهور دموکرات امریکا بود که ماهیت غیردموکراتیک سیاست بین‌الملل را موجب بروز جنگ می‌دانست. ولی سال‌ها بعد، جرج بوش، رئیس‌جمهور جمهوری خواه امریکا، تصمیم گرفت به پشتوانه جایگاهش در سازمان ملل، دموکراسی را با غیردموکراتیک‌ترین ابزار گسترش دهد و جنگ را با جنگ پاسخ گوید. بدین ترتیب، ایده لیبرالیستی ملل متحد در واقع، پوششی است برای پیگیری اهداف ژئواستراتژی غرب، هنگامی که دیگری را در معرض وقوع گریانه به عرصه بین‌المللی می‌نگرد و با ابراهردی عمل گرایانه در پی تأمین اهداف خویش است، بی‌شک در این امر سوزنا استفاده از همه‌آزادهای ممکن در همه‌سویه‌های منازعه (عم و بین‌المللی و منطقه‌ای) می‌بایست در دستور کار قرار گیرد. چنان که مبدع‌ان وقع گرای نیز تنها زمانی به حقوق بین‌الملل واقعی می‌نهند که همه‌آستانا با منافع ملی قرار می‌گرفت. مثلاً موگنا حفظ صلح را تنها به پنج طریق ممکن می‌دانست: جنگ، محاصره، اجتناب از سازمان ملل، دیپلماسی و موازنه قدرت. وی راه اول را محال دانست و دربار ابراهام دوم و سوم، معتقد بود که تنها در صورت سازگاری با منافع ملی می‌توان از آنها بهره جست و بیش از همه بر دو راه آخر تأکید داشت. به همین دلیل، در بررسی راهبرد واقع‌گرایانه غرب، مشاهده می‌شود وقتی که حقوق بین‌الملل و موازین سازمان ملل متحد یا حتی قواعد شورای امنیت بر خلاف منافع و اهداف جهانی می‌باشند و مشروعیت قانون ملی شدن صنعت نفت را به اثبات رساند، دولت‌های آمریکا و انگلستان حدود یک سال بعد در ۲۸ مردادماه سال ۱۳۳۲، با کودتای نظامی و استفاده از عناصر داخلی توانستند دولت او را اسقاط و سپس قرارداد کنسرسیون را بدولت برآمده از کودتا امضا کنند که حقوق کسب‌شده ایران در آن، نسبت به تعهداتی که در مذاکره با مصدق داشتند، به مراتب کمتر بود. شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل نیز نقش بارزی در تدوین اعلامیه حقوق بشر در ۱۹۴۸ میلادی داشت. این اعلامیه هر چند فی‌نفسه آرام‌آور نیست و تنها یکی از مصوبات مجمع عمومی بود که یک استاندارد درباری دیگران مطرح می‌کند ولی نکته آن جاست که برخی اعضای این شورا حتی ریاست آن متمم به نقض عمده حقوق بشر در دولت‌های خود و همچنین نسبت به دیگر ملت‌ها بوده‌اند. بنابراین مصوبات مجمع عمومی نه فقط ضمانت‌اجرائی ندارد بلکه عمدتاً از جنبه رسانه‌ای نیز نادیده‌انگاشته می‌شوند و بهره‌ای برای دولت‌های عضو ندارند. برای مثال، به‌رغم اینکه مجمع عمومی در سپتامبر ۱۹۹۹، به پیشنهاد دولت ایران، سال ۲۰۰۱ را سال «گفت‌وگوهای تمدن‌ها» نامید؛ سه‌سال بعد در استانه سوئمن سالگرد تصویب این بیانیه، آمریکا و بریتانیا با حمله به افغانستان، نبرد نامعانی را آغاز کردند که غرب آسیا و شمال آفریقا را غرق در بوی خون و باروت، و به‌یرانی کشنده و تبعات آن هنوز تداوم دارد. این مورد نشان می‌دهد کارآترین بخش سازمان ملل متحد که منجر به تداوم عمر این سازمان شده، شورای امنیت است و دلیل آن نیز عضویت دائم پیروزمندان جنگ جهانی دوم می‌باشد. به راستی همان گونه که در تعبیر روزولت «ملل متحد» همان دولت‌های متفقین بودند، اکنون نیز سازمان ملل متحد را می‌توان سازمان «امریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین» معنا کرد که اگر این قدرت‌ها نمرای از حضورشان در این سازمان نمی‌یافتند، بی‌شک تا حال، بارها به سرنوشته خلفش، جامعه ملل دچار شده بود.

کاربرد تکنولوژی در تحقیق و پژوهش حوزه علوم انسانی از جمله مسائلی است که میان اساتید مختلف این حوزه محل بحث است. برخی از اساتید تکنولوژی‌زدگی فعلی را آفتی می‌دانند که کشور را به خود مبتلا کرده و برخی دیگر آن را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌دانند که فرار از آن به مثابه بازگشت به عصر انسان بدوی است. به گزارش «جوان» به نقل از فارس نظرات برخی اساتید علوم انسانی در خصوص نسبت پژوهش با تکنولوژی جمع‌آوری شده که در ذیل می‌خوانید.



غلا محسین ابراهیمی‌دینانی، (چهره ماندگار فلسفه ایران): تکنیک با سرعت همراه است امروز حوصله بشر کم شده است. بشر در دوران گذشته ساعت‌ها صرف می‌کرد که غذا درست کند اما امروزه با فست‌فودها، سریع غذا درست می‌کنند. جوان امروزی از موضوعی ناراحت است و سؤالی دارد اما جواب فوری می‌خواهد.

در این دنیای فست‌فودی نمی‌توان علم تولید کرد، جوان امروز کار دارد و حوصله ندارد فقط سؤال می‌کند و می‌خواهد جواب بشنود و برود، و اصلاً فرصت فکر کردن ندارد. نمی‌خواهم از تکنولوژی انتقاد کنم، چرا که با این انتقاد مشکلی حل نمی‌شود، باید به گونه‌ای با تکنولوژی کنار بیایم، باید آن را شناخت، با بد و بیره و ناسزا گفتن مشکل حل می‌شود.

تمام دنیای امروز در تکنیک است، نمی‌توان بدون تکنیک نفس کشید. بنابراین راه مقابله با تکنولوژی بد و بیره گفتن و ناسزا گفتن نیست. باید در حل‌را تشخیص دهید و فکر کنید که بشر باید چنه مقابله با تکنولوژی بکند و چگونه می‌توان با آن کنار آمد چرا که قرار است تکنولوژی ما را محقق در زمین باشد و این تکنولوژی بشر خطرناک است.



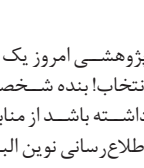
علیرضا الاسلامی (قائم مقام فرهنگستان علوم اسلامی قم): بنده درباره شبکه‌های مجازی صحبتی را مطرح می‌کنم که این‌هم مرتبط به فناوری‌های نوین است. تأثیر شبکه‌های مجازی به ویژه اینترنت در تبادل اطلاعات و ارتباطات، همچنین کمیت و کیفیت دسترسی به آنها، مثلاً سرعت دسترسی به اینترنت، از مظاهر عینی توسعه و پیشرفت هستند؛ تا جایی که حتی سازمان ملل متحد و اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور (ITU) نیز سرعت دسترسی به اینترنت را جزو شاخص‌های توسعه می‌داند.

اما مسئله دیگر این است که همین بستر اینترنت صرفاً یک ابزار و وسیله خنثی برای تبادل اطلاعات نیست بلکه کسانی که آن را طراحی کرده‌اند مدیریتش را نیز برعهده دارند یعنی اولاً اطلاعات را طبقه‌بندی می‌کنند و آنچه بخواهند را قرار می‌دهند و معمولاً تلاش می‌کنند اطلاعاتی که بهره‌برداری از آن انجام دادند ارائه دهند و نکته دیگر طبقه‌بندی اطلاعات یک اهرم دوم برای مدیریت اطلاعات است و ناخودآگاه و پنهانی کاربران شبکه‌های مجازی مدیریت علمی می‌شوند بنابراین باید توجه کنیم که این جنبه پنهان شبکه‌های مجازی را حتی در فعالیت‌های علمی هم مدنظر قرار دهیم. البته نتیجه حرف بنده این نیست که نباید از این تکنولوژی استفاده کنیم اما نتیجه این می‌شود که اولاً باید در وضع موجود استفاده از این شبکه‌ها گزینش شده و خودآگاه صورت گیرد و ثانیاً باید به دنبال این باشیم که با ابتکار عمل‌های نو سهم دنیای اسلام و به ویژه ایران اسلامی از بازار اطلاعات علمی



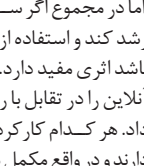
اینترنت صرفاً یک ابزار و وسیله خنثی برای تبادل اطلاعات نیست بلکه کسانی که آن را طراحی کرده‌اند مدیریتش را نیز برعهده دارند یعنی اولاً اطلاعات را طبقه‌بندی می‌کنند و آنچه بخواهید را قرار می‌دهند و معمولاً تلاش می‌کنند اطلاعاتی که بهره‌برداری از آن انجام دادند ارائه دهند

افزایش پیدا کند. حجت الاسلام نجف لک‌زایی (رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی): استفاده از فناوری‌های نوین در امور پژوهشی امروز یک ضرورت است نه یک انتخاب! بنده شخصاً تا جایی که امکان داشته باشد از منابع موجود در فضای اطلاع‌رسانی نوین البته به شرط اعتماد به منبع و سازمان تولیدکننده، استفاده می‌کنم.



محمد مهدی لیبیبی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی): یک مصداق فناوری را مورد توجه قرار می‌دهم، استفاده از اینترنت هم یک فرصت است و هم یک تهدید. فرصت از این جهت که دسترسی به انبوهی از اطلاعات که در گذشته ممکن نبود در زمانی کوتاه و به راحتی امکان‌پذیر است اما تهدید است چون روحیه کپی‌برداری را تقویت می‌کند و در عین حال افراد نمی‌توانند اعتبار مطالب را در نظر بگیرند.

استفاده از اینترنت در افراد رشد کند و استفاده از اینترنت هوشمندانه باشد اثری مفید دارد. نمی‌توان رسانه‌های آنلاین را در تقابل با رسانه‌های سنتی قرار داد. دارند و در واقع مکمل هم هستند. یک مان یا یک اثر فلسفی بهتر است در قالب کتاب خوانده شود اما کسب اطلاعات در یک زمینه خاص بیشتر است از اینترنت باشد.



میر عبدالرضا سنسینچی (عضو هیئت علمی گروه ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی): از نظر من، فناوری‌ها را اگر نگوئیم بزرگ‌ترین دستاورد تمدنی و توسعه‌ای بشر است، یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهاست.

از این منظر، با دوری از تکنولوژی و انکار دستاوردهای آن، دستاوردی که نخواهیم داشت، مزایا و امکانات فراوانی را نیز از دست خواهیم داد.

قطعاً فناوری‌های آنلاین، چند رسانه‌ای‌ها و اینترنت، همچنین کمیت و کیفیت دسترسی به آنها، مثلاً سرعت دسترسی به اینترنت، از مظاهر عینی توسعه و پیشرفت هستند؛ تا جایی که حتی سازمان ملل متحد و اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور (ITU) نیز سرعت دسترسی به اینترنت را جزو شاخص‌های توسعه می‌داند.

اما مسئله دیگر این است که همین بستر اینترنت صرفاً یک ابزار و وسیله خنثی برای تبادل اطلاعات نیست بلکه کسانی که آن را طراحی کرده‌اند مدیریتش را نیز برعهده دارند یعنی اولاً اطلاعات را طبقه‌بندی می‌کنند و آنچه بخواهند را قرار می‌دهند و معمولاً تلاش می‌کنند اطلاعاتی که بهره‌برداری از آن انجام دادند ارائه دهند و نکته دیگر طبقه‌بندی اطلاعات یک اهرم دوم برای مدیریت اطلاعات است و ناخودآگاه و پنهانی کاربران شبکه‌های مجازی مدیریت علمی می‌شوند بنابراین باید توجه کنیم که این جنبه پنهان شبکه‌های مجازی را حتی در فعالیت‌های علمی هم مدنظر قرار دهیم. البته نتیجه حرف بنده این نیست که نباید از این تکنولوژی استفاده کنیم اما نتیجه این می‌شود که اولاً باید در وضع موجود استفاده از این شبکه‌ها گزینش شده و خودآگاه صورت گیرد و ثانیاً باید به دنبال این باشیم که با ابتکار عمل‌های نو سهم دنیای اسلام و به ویژه ایران اسلامی از بازار اطلاعات علمی



اسماعیل منصور (استاد لاریجانی) فلسفه و عرفان دانشگاه اهل بیت، کتابخانه‌ی مشخص بود که چه فردی چه زمانی ورود و کی خروج می‌کند اما در این فضاهای مجازی تکلیف مشخص نیست گاهی ما وارد جایی می‌شویم که اصلاً به دردمان نمی‌خورد بنابراین همین‌طور می‌شود که رشد علمی ما به حوزه علوم انسانی بسیار پایین است...

خاطرم می‌آید که روزی نزد علامه حسن‌زاده املی بودم و دیدم که ایشان بر انجام تحقیقی کتب خطی می‌خواندند. من گفتنم خنثی از این کتاب‌ها الان با خط خوش منتشر شده است، ایشان گفتند که این منابع ما را به خود محقق و فضای ذهنی و فکری و از نزدیک‌تر می‌کند... من خودم از رایانه تنها زمانی که آدرسی بخواهم استفاده می‌کنم، تحقیق‌نامه کتابخانه‌ای است مخصوصاً هر چه آثار اولیه بزرگان باشد را مکتوب مطالعه می‌کنم، این خود ناشطی به من می‌دهد همان‌طور که استاد گفتند نسخه‌انواری آنها و انوار هدایشتان در ذهن و وجود من نقش می‌بندد.

### منابع

- ۱- تحول در نظر به‌های روابط بین‌الملل اثر حمیرا مشیرزاده
- ۲- روابط بین‌الملل، نظر به‌ها و رویکرد دهاثر عبدالعلی‌قوام
- ۳- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اثر سیدجلال دهقانی فیروز آبادی